



جهان‌ن شدن و محیط زیست گرایه اسلامه

سنت حقوقی اسلام، در قرن هشتم تا دهم با استفاده از قرآن و احادیث (جملات و مستندات گرفته شده از حضرت محمد) ایجاد شد، ویژگی بنیادین مستندات الهی برای استفاده از منابع طبیعی که شامل آب، خاک، هوا، گیاهان و حیوانات می‌باشد اینست که با جزئیات بیان شده است. همان‌گونه که در قرآن حفاظت و نیز استفاده عادلانه حائز اهمیت است. علاوه بر این، همانند هر چیزی در جهان، منابع در درجه نخست، متعلق به الله هست، و مطابق این آیه حفظ محیط زیست به انسان سفارش شده: برای آن دسته از انسان‌هایی که طبیعت را به امانت حفظ می‌کنند.

با این وجود، قرآن اظهار می‌کند که "آنچه در زمین است" تحت سلطه (سَخَّرَ) انسان است و اینکه "اوست که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد" (۲:۲۹). سرانجام خداست که "مالکیت هر چیزی در اختیار اوست" (۳۶:۸۳؛ ۲:۱۰۷، ۲۴:۴۲). با این وجود گفته شده که انسان "در بهترین شکل" خلق شده است (فی احسن التقویم)، قرآن اخطار می‌دهد که "البته خلقت زمین و آسمان‌ها بسیار بزرگ‌تر و مهم‌تر از خلقت بشر است و لیکن اکثر مردم این معنا را درک نمی‌کنند" (۴۰:۵۷).

انسان در قرآن اینگونه توصیف شده است که بیشتر شبیه موجودات دیگر هست تا شبیه خود. پرستش خدا به تمام مخلوقات امر شده است (۲۲:۱۸)، "حتی اگر ستایش آنها به زبان انسان بیان نشود" (۱۷:۴۴، ۱۷:۴۱، ۲-۲۴:۴۱). گفته شده است که مخلوقات غیرانسانی نیز شبیه به انسان هستند (۶:۳۸)؛ و صریحا اعلام شده است که حیوانات دارای زبان گفتاری هستند (۲۷:۱۶). به حیوانات فرموده شده الهامات الهی را دریافت کنند، همان‌گونه که خدا به زنبور تعلیم داده چگونه کند و عسل تهیه کند (۱۶:۶۸). زمین برای منفعت تمام موجودات خلق شد (انعام)، نه فقط برای انسان (۵۵:۱۰). در حقیقت، تنها تفاوت عمده انسان با دیگر موجودات این است که دارای تقوا است، بنابراین نسبت به اعمالش مسئول است.

انسان نسبت به تمامی اعمال نابودگر سرکشانه‌ای که در زمین مرتکب می‌شود، پاسخگو خواهد بود (۷:۸۵، ۲:۲۰۵). اعمال افراط‌گری و سوء مصرف نیز نهی شده است (۷:۳۱) مانند احتکار. آب که مهم‌ترین منبع حیاتی طبیعی است، باید به عنوان دارایی عمومی حفظ شود (۵۴:۲۸). تعادل (میزان) باید در هر چیزی برقرار باشد، از جمله، منابع طبیعی (۱۳:۸، ۱۵:۲۱، ۲۵:۲). در نتیجه قصور در انجام این امر، غیراسلامی تلقی می‌شود.

ریچارد فولتس

ترجمه کاملیا عباسزاده

انسان و طبیعت در قرآن

قرآن پدیده‌های طبیعی را نشانه‌ای (آیات) برای اثبات وجود خدا معرفی می‌کند (۱۶:۶۶، ۴۱:۵۳، ۱-۲۰:۵۱، ۲۰-۱۷:۸۸). از این رو ارزش طبیعت در ابتدا نمادین بوده است. آن دسته از بررسی‌های علمی که به منظور درک فعالیت‌های گیتی انجام می‌گیرد، برای مسلمانان، جستجویی مقدس تلقی می‌شود. طبیعت بی‌هیچ عیبی در تناسب کامل است (۶۷:۳)، یعنی انعکاسی از وجود خالق خود که از طرف خدا دارای هدفی مقدر است (۳۸:۲۷، ۲۱:۱۶، ۳:۱۹۱) که نه تضاد است و نه بی‌مفهوم. "محیط زیست" چیزی جز وجود خدا نیست، همان‌طور که در قرآن آمده: "به هر سو بنگرید، حضور خدا را خواهید دید." (۲:۱۱۵)

در سلسله مراتب آفرینش، قرآن برای انسان مقام ویژه‌ای مقرر کرده که این مقام، مقام "خلیفه الله" (۲:۳۰، ۶:۱۶۵) است، که عموماً در بین مسلمانان به معنی "نائب بر حق"، یعنی مباشر و امین است. اخیراً ادريس این موضوع را در قالب یک تفسیر مورد نقد قرار داد. بنا به عقیده او ریشه اصلی کلمه "خلیفه"، به معنی "تابع" می‌باشد. مطابق این نگرش، انسان "جانشین خدا" نیست، بلکه انسان "مابعد از آدم" است.^۱

اسلامی، قوانین حفاظتی و حمایتی شرعی زیادی را برای حیوانات ارائه کرده است، شامل "حق نوشیدن" (حق الشرب) که بیانگر این است که نمی توان مانع آب نوشیدن آنها شد (قرآن ۱۳: ۹۱). یک نوشته در قرن سیزده توسط "عزالدین ابن عبدالسلام" تحت عنوان "قواعد الاحکام فی مصالح الانام" موجود است که هر چیزی را که اصطلاحاً "حقوق یک حیوان" نامیده می شود، شامل می شود. این قوانین موارد زیر را در برمی گیرد: حیوانات باید محافظت شوند، بارافه بر آنها تحمیل نشود، از آسیب در امان باشند، دارای پناهگاه تمیز باشند و اجازه جفت گیری داشته باشند.

با وجود این که در نوشته های شرعی قدیمی، قوانین مربوط به محیط زیست کمتر طبقه بندی شده است، ولی چندین اصل بنیادین موجود است که زمینه کاهش برخی انگیزه های اصلی تخریب محیط زیست جهانی امروزی را فراهم می کند. ممکن است یکی از آنها به طور انحصاری بیانگر اصول به حداقل رساندن آسیب، برتری مصلحت جمعی نسبت به مصلحت فردی، اولویت بخشی بهره مندی فقرا نسبت به ثروتمندان باشد. با وجود این که مسلمانان عصر معاصر (مویل عزالدین و عثمان لولین) برای تهیه چنین تفاسیری همت نمودند، ولی هنوز مسیر خود به سمت دستورات شرعی جوامع اسلامی را کشف نکرده اند.

در فلسفه اسلامی

از قرن دهم فیلسوفانی مسلمان که با نوشته های قدیمی آشنا بودند، ظهور کردند به این منظور که اصطلاح عربی "طبیعه" را به وجود آوردند که معادلی برای کلمات ناتورا در لاتین و فیسس در یونان باشد (کلمه طبیعه در قرآن دیده نشده است). از سوی دیگر، کلمات اشتقاقی طبیعه و مطبوع، منبع همسان لاتین ناتورا، ناتورانس، ناتورا و ناتوراتا است. در فلسفه اسلامی تمایز بین خالق و مخلوق با اصطلاح حق ("حقیقت الهی") و "خلق" نشان داده می شود. قوانین وجود جهان، از خودشان و درونشان نیست بلکه از تجلی الهی است که می توان آن را در اصطلاحات ارسطو به عنوان اولین علت، دریافت کرد. هیچ علت "ثانوی" ای وجود ندارد، بنابراین آنچه که به عنوان قوانین طبیعی ظاهر می شوند، صرفاً "طرز" آفرینش اشیاء است که اگر خدا بخواهد می تواند دگرگون سازد. بنابراین، معجزات صرفاً اموری هستند که خداوند تصمیم گرفته است که آنها به طریقی نامالوف و ناآشنا به وجود آیند.

ارتباط نامتناهی (خالق) و متناهی (مخلوق) نه به معنی حضور خدا در مخلوق (تسبیح) است و نه به معنی تعالی (تنزیه). زیرا هر دو حد غایی با یگانگی خداوند (توحید) ناسازگار هستند. هیچ کدام نمی توانند خالق و مخلوق را کنار هم قرار دهند و نیز هیچ کدام برای دیگری دارای حقیقت جداگانه ای نیستند؛ هر یک باعث بروز شکلی از چندخدایی (شرک) می شود که در اسلام غیرقابل قبول است.

فیلسوفان اسلامی پیرو الگوی یونانی نظام گیتی بودند که متوجه شدند شکل جهان گوی مانند است و توسط میدانی از ستاره ها احاطه شده است. لایه های میانی تحت تصرف سیاره ها، خورشید و ماه است که زمین در مرکز آن قرار دارد. جهان بهشتی (العالم الاعلی) از عناصر آسمانی ساخته شده، یعنی برخلاف جهان پایینی (العالم الاسفل) که شامل چهار ویژگی است که ترکیبی از گرما، سرما، رطوبت و خشکی است و بر طبق آن عمل می کنند. جغرافیای زمین، بیشتر مواقع در اصطلاح تقسیم بندی ایرانیان پیش از اسلام، متشکل از هفت اقلیم متحدالمرکز (کشور) است، با این وجود تقسیم بندی چهارگانه یونانیان و نه گانه هندی ها نیز وجود دارد. فیلسوفان اسلامی قرار گرفتن انسان ها در نزدیکی محدوده بالای سلسله مراتب مخلوقات، یعنی پایین تر از فرشتگان، بالاتر از حیوانات، گیاهان و کانی ها را تصدیق می کنند. انسان ها میانجی بین جهان بهشتی و قلمرو زمینی هستند و مجرای اصلی برای برکت الهی. علاوه بر این، جسم انسان

در احادیث

اعراب که قرآن بر آنها در قرن هفتم نازل شد، آشنایی زیادی با محدودیت های بومی دارند، محدودیت هایی که توسط اقلیم بیابانی محلی وارد شده است. گزارشات مربوط به گفتار و رفتار محمد (ص) (احادیث)، نشانگر این است که پیغمبر اسلام، از این محدودیت ها مطلع، و دارای حساسیت نسبت به وظایف انسانی در قبال دیگر مخلوقات بودند. محمد (ص) اولین الهامات خود را زمانی دریافت کرد که در غاری بیرون مکه در حال عبادت بود. بنابراین، مانند اشکال مذهبی کثیر دیگر، بصیرت او با مفهوم غرق شدن در جهان طبیعی تطابق دارد. شاید بیشتر شفاف سازی های حدیث در این باب این است که: "برای من زمین به عنوان یک مسجد (محل عبادت) و مفهومی از تطهیر خلق شده." (صحیح بخاری، ۱: ۳۳۱). طبق حدیث دیگری، محمد (ص) فرموده است: "جهان سبز است و زیبا، و خدا شما را ناظر آن قرار داده است."

در حدیثی معروف، محمد (ص) پیروانش را از هدر دادن آب، حتی در زمان وفور و زمانی که به منظور امر مقدسی مثل غسل استفاده می شود، نهی می کند (مسند بن حنبل، ۲۲). همچنین محمد (ص) مقرر کرد که آبیاری زمین کشاورزی باید طوری باشد که آب بیشتر از اندازه فوزک پا در زمین جمع نشود (مقداری که برای یک بار استفاده کافی باشد). منابع و ذخایر ضروری، عمومی هستند و دارایی شخصی نیستند: "مسلمانان در سه چیز باهم اشتراک دارند: آب، مراتع و آتش" (مشکات المصابیح).

احادیث زیادی راجع به اهمیت دادن محمد (ص) به حیوانات موجود است. نسبت به ذبح حیوانات اهلی به عنوان خوراک، فرمان می دهد که ذبح، سریع، دقیق و با جاقویی تیز انجام گیرد (صحیح مسلم، ۲/۱۱، ذبح، ۱۰: ۷۳۹) و نیز فرموده حیوانی را در مقابل دیدگان فرزندش ذبح نکند. او شکار را به عنوان ورزش منع کرد و همچنین پیروانش را از سوء استفاده از شترها و خرهایشان سرزنش می نمود. محمد (ص) پیروانش را به کاشت گیاه، درخت و زمین های زراعی ترغیب می کرد، نه فقط برای تامین غذای انسان، بلکه برای تامین غذای حیوانات و دیگر حیوانات (صحیح بخاری، ۳: ۵۱۳). در حدیثی که مشابه به یک سخن یهودی است، ثبت شده که محمد (ص) فرموده است: "زمانی که روز قیامت فرا برسد، هر کسی درختی در دست دارد که باید آن را بکارد" (سنن البیهقی - الکبری).

در شریعت اسلامی

مجموعه قوانین حقوقی که به عنوان شرع شناخته می شود، توسط فقهای اسلامی در طول دوره کلاسیک (قرن ۸ تا ۱۰) تدوین شده اند که به طور میانگین و حتی بیشتر آنها شامل جلوه هایی است که می توان گفت در رابطه با حفاظت از محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی هستند. فقها چهار اصل از فرامین قرآنی، الگوی محمد (ص) به عنوان الگویی مؤید در احادیث، استدلال تمثیلی و اجماع آراء خود را به عرف مرسوم اعراب، خصوصاً پارسیان و تاحدودی دیگر مسلمانان اعمال کردند.

جلوه های از قانون شریعت با صریح ترین کاربردهای مربوط به محیط زیست ممکن است همان ایجاد مناطق حفاظت شده (حریم) باشد، به عنوان جایی که گسترش مناطق خاص، مثل ساحل رودخانه ها را، با هدف حفاظت از آبخیزها، ممنوع می کند. یک نهاد مرتبط حفاظتی (حمی) وجود دارد که معمولاً شرایط حفاظت از حیات وحش و درختان را فراهم می کند. هنوز بعضی حریم ها و حمی های سنتی به طور برجسته در عربستان سعودی موجود هستند، ولی این نهادها نسبت به زمان های گذشته کاهش یافته اند و در حال منسوخ شدن هستند. در متون شرعی درباره گسترش منابع آبی دقت زیاد و ریزبندیه ای وجود دارد. بخش هایی از این متون به "آباد کردن" (احیاء) زمین های "بی حاصل" (موات) اختصاص یافته است که شامل شرایط و حقوق فردی است که عهده دار این شکوفایی و آبادانی است. همچنین شرع

می‌گوید^۶ (۶۹-۶۸، ۶۱۰). علاوه بر این، گاهی صوفیان عشق را برای توصیف رابطه جذابیت مشترک بین خالق و مخلوق به کار می‌برند. یونس امره شاعر استانبولی قرن سیزدهم، در بیتی می‌گوید: "همه به مخلوق عشق می‌ورزیم تا به خالق برسیم."

حکایت‌های صوفیانه بسیاری، مانند داستان‌هایی که در آثار رومی و عطار وجود دارد، شامل شخصیت‌های حیوانات هستند، که همیشه جانسپین شخصیت‌های انسانی شدند که با انواع بخصوص همراه هستند. حیوانات در یک سطح پایین‌تر از انسان در نظر گرفته شده‌اند و "روح حیوانی" از نظر فلاسفه با نظریه صوفیان یعنی "نفس پست" و یا بنیادی‌ترین غریزه هر شخص برابر است که شخص در مسیر ارتقاء معنوی، تلاش می‌کند بر آن غلبه کند.

اخلاق‌های محیط‌زیستی اسلامی در جهان معاصر

با آنکه نباید گذشته را خیالی تصور کرد، و البته مسلمانان نیز مانند تمام مردم فرهنگ‌های مختلف، همیشه از روح و نص صریح قوانین مقدسشان پیروی نکرده‌اند، با این همه، با توجه به مطالب بالا به نظر می‌رسد که جوامع مسلمانان پیشامدرن دارای چیزهایی بودند که به زبان امروز می‌توان آنها را تشکیل دهنده عرفان محیط‌زیستی دانست.

به طور خلاصه، امروزه جوامع اسلامی نه تنها فاقد الگوهای آگاهانه محیط‌زیستی هستند، بلکه در برخی موارد، نمونه‌های بدتر از انواع سبک زندگی تخریبگر محیط‌زیست و سیاست‌های گسترش دهنده آن را مقرر کرده‌اند. تعداد بیشتری از چنین محیط‌های منحنی در جهان امروز، همان محیط‌هایی هستند که مسلمانان در آنجا آلودگی وسیعی ایجاد کرده‌اند. در حالی که حداکثر مصرف سوخت و درجه آلودگی، عموماً از جوامع پیشرفته غربی کمتر است، ولی مسلمانان به طور عمده از مشکلات محیط‌زیستی حاد که مرتبط به فقر، آلودگی بیش از حد، تکنولوژی‌های قدیمی است رنج می‌برند.

متأسفانه این حقیقت وجود دارد که جوامع اسلامی امروزی با مشکلات زیادی از قبیل مشکلات، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو هستند که حفاظت‌های محیط‌زیستی در درجه دوم نگرانی قرار می‌گیرد. هنوز مسلمانان اندکی به سمت اندیشیدن تغییر مسیر داده‌اند، مسیری که توسط بیولوژیست، پاول ارلیش، بیان شد. زمانی که او اظهار کرد: "بحران محیط‌زیستی در میدانی نقش بازی می‌کند که مشکلات دیگر، و مانده‌اند" و یا در جایی که ستیز ویروس‌های انسانی در دنیای امروزی ادامه دارد و مانند "جنگیدن در عرشه تایتیک" است، ما چنان گرفتار تهدیدات پیشرو هستیم که از توجه به مشکلات و رویدادهایی که در زیر پایمان رخ می‌دهند، درمانده‌ایم.

اگر منصفانه بنگریم، خواهیم دید که غرب دشواری‌های خطراتی که با از هم‌پاشیدگی محیط زیست جهانی شکل می‌گیرد را به شدت آهسته شناسایی کرده است. حتی امروزه، این حقیقت وجود دارد که دولت ایالات متحده آمریکا (آلوده کننده شماره یک دنیا)، نظریه پولیاناسکو را جدی گرفته است. براساس این نظریه، نگرانی‌ها و دغدغه‌های محیط‌زیستی، به واسطه اهمیت بی‌مانند رشد اقتصادی پایا، اغراق‌آمیز شده است. قابل توجه است که در مارس ۲۰۰۵، نشریه معروف "سنجش اکوسیستم هزارساله"^۷ در یک تحقیق پنج ساله توسط ۱۳۶۰ دانشمند از ۹۵ کشور به این نتیجه رسید که فعالیت‌های انسانی، دو سوم اکوسیستم‌های روی زمین را در مدت پنجاه سال اخیر در معرض خطر قرار داده است، که در اروپا و جاهای دیگر دنیا سرفصل نشریه شد، ولی در آمریکا در رسانه اصلی انکار شد.^۷

آمریکان ثروتمندترین کشور جهان است، و فرسایش محیط‌زیستی برای ثروتمندانی که می‌توانند خود را از تأثیرات آن حفظ کنند، به نسبت فقرا که از مشکلات محیط‌زیستی به طور ناگهانی و متعدد رنج می‌برند، کمتر باعث رنجش می‌شود. در دنیای توسعه یافته گاهی زنان روستایی بحران

به عنوان عالم صغیری از کیهان شناخته می‌شود که بخش‌های بخصوص بدن، توسط قسمت‌های منطبقه البروج تشخیص داده می‌شود و در نتیجه تحت کنترل تأثیرات آنها است.

اخوان الصفاء در رساله‌های قرن دهم که به صورت مجموعه‌ای با عنوان رسایل شناخته می‌شود، نوشتند که مطالعه طبیعت جلوه‌های خداوند را نشان می‌دهد: "بدانید که خلق کامل یک شیء، نمایانگر وجود صنعتگری متعالی و داناست، حتی اگر برای حواس و ادراک، دست نیافتی و در پشت پرده باشد. اوست که بر فراز کائنات در حال تدبیر است و باید آگاه بود که وجود این سلطنت از یک صنعتگر متعالی ناشی شده است."^۸ برای اخوان الصفاء که خود را پیرو فیثاغورس می‌دانستند، اعداد مفهوم مهمی از اینش مرتب‌سازی طبیعت هستند. گودمن به شباهت‌های بصری بوم‌شناختی برگرفته شده در قرن دهم توجه داشت که با بوم‌شناسان معاصر مجزا است.^۹ اخوان الصفاء گروهی فرعی بودند، بنابراین وجود، نگرش آنها نباید نماینده جریان اصلی افکار اسلامی زمان خود آنها باشد.

در تصوف

عرفای اسلامی، که با عنوان صوفی شناخته می‌شوند، به تفسیر ارجاعات قرآنی به منظور بیان یگانگی خدا (توحید)، به عنوان نمایانگر پیوستگی بنیادی تمام هستی، گرایش دارند. صوفی اندلسی، محی الدین ابن عربی (۱۱۶۵-۱۲۴۰)، خالق را بر حسب "یگانگی موجود" (وحده الوجود) توصیف می‌کند، نظریه‌ای که در بین صوفی‌ها بخصوص در آسیای شمالی که آثار او در آن منطقه تأثیر زیادی دارد، معروف است. برخی از مسلمانانی که معتقد به جریان اصلی اندیشه اسلامی هستند، این اعتقاد را به اندیشه وحدت وجود به طرز خطرناکی نزدیک می‌دانند. با این حال، معلم صوفی هندی قرن ۱۷، شاه ولی الله، اصطلاح "وحده الشهود" را به عنوان واضح‌ترین مدعای تمایز بین خالق و مخلوق می‌داند.

"انسان کامل" در اندیشه صوفیان که ابن عربی به طور مفصل بدان پرداخته است، مفهوم انسان را به عنوان عالم صغیر گسترش می‌دهد. برای صوفیان، تربیت فردی مشابه تربیت کل کیهان است، بنابراین ارتقاء معنوی شخصی می‌تواند بر کل جهان تأثیر گذار باشد.

با وجود این که در نوشته‌های شرعی قدیمی، قوانین مربوط به محیط زیست کمتر طبقه‌بندی شده است، ولی چندین اصل بنیادین موجود است که زمینه کاهش برخی انگیزه‌های اصلی تخریب محیط زیست جهانی امروزی را فراهم می‌کند

برای یک صوفی مانند جلال الدین رومی (۱۲۷۳-۱۲۰۷) نه تنها حیوانات و گیاهان بلکه تمام پهنه آفرینش، جاندار هستند.^{۱۰} در مثنوی معنوی نوشته شده است: "زمین و آب و آتش همه بندگان اویند، در جانب من و شما مردگانند ولی در نزد خدا جاندارند" (۱۸۳۸). طبیعت نیز سخن می‌گوید و فقط عرفا از آن باخبرند: "گفتگوی آب، گفتگوی زمین، گفتگوی مرداب توسط احساس آنها از عمق وجودشان، دریافت می‌شود" (۱۳۲۷۹). مکالمه‌های طبیعت حاکی از ارتباط تأثیرگذار آنهاست: "شما از بیان خورشید در هنگام طلوع آگاهید، با گیاهان و درختان خرما سخن می‌گوید، شما می‌دانید آب زلال با گیاهان مطبوع و نهال‌ها سخن

محیط زیست گرایان اسلامی اتخاذ شد و نیز برای غربی‌ها به عنوان تئوری نمونه برای تحقیق در مبحث محیط‌زیست به عنوان "چشم انداز اسلامی" مورد اتخاذ قرار گرفت.

نقایص اصلی اندیشه نصر این بود که به عنوان اولین مدافع اسلامی، همیشه برای مخاطب غیر مسلمان غربی می‌نوشت. بیشتر مسلمانانی که آثار او را می‌خوانند، نوشته‌ها را به زبان انگلیسی می‌خوانند، در حالی که آثار او کمتر به زبان عربی و یا حتی زبان مادری او یعنی فارسی ترجمه شده است. مورد او نمونه متناقضی است که حتی در بین مسلمانانی که در پی نتایج محیط‌زیست‌گرایی در بین سنت‌های خود هستند، اولین انگیزه و زمینه، غرب است.

اولین اقدامات اسلامی مشخص در زمینه حفظ محیط‌زیست، توسط یک تیم محقق اسلامی در جده عربستان سعودی در سال ۱۹۸۳، انجام گرفت که تحت نظارت یک سازمان محیط‌زیست سوندی با عنوان اتحادیه بین‌المللی حفظ و احیاء منابع طبیعی و طبیعت (IUCN) بود.^{۱۲} نتیجه رساله که شامل سی صفحه از کل رساله بود، به طور ضعیف تعمیم داده شده بود، و نویسندگان آن تایید کردند که تلاش آنها برای مطابقت یافته با نظر تدبیرگران در کشورهای اسلامی، با شکست مواجه شد.

تلاش بعدی برای ایجاد ارزش‌های محیط زیستی اسلامی با حمایت یک سازمان غربی تحت عنوان، صندوق جهانی طبیعت (WWF) به وجود آمد، این سازمان در سال ۱۹۸۶ در ایتالیا جلسه‌ای تحت عنوان ارزش‌های محیط زیستی در دنیای دینی را ترتیب داد که یک سخنگوی مسلمان دعوت شده بود تا بیانیه تک صفحه‌ای اسلام و محیط زیست را بیان کند.^{۱۳} سپس این سازمان پروژه خود را به سمت سفارش مجموعه مقالاتی در کتاب‌های کوچک، درباره دین و محیط زیست (یک کتاب برای هر دین بزرگ) گسترش داد. برای ویرایش فصلی که مربوط به اسلام است، از دیدگاه فضلان خالد استفاده شد، او مسلمانی انگلیسی، اهل سیلان بود که به واسطه مطالعه آثار سید حسین نصر و محیط‌زیست‌گرایان غربی، دلبستگی شدیدی به مسایل محیط زیستی را برانگیخت.

کتاب صندوق جهانی طبیعت توسط خالد ویرایش شد و در سال ۱۹۹۲ تحت عنوان "اسلام و بوم‌شناسی" چاپ شد که شامل چندین رساله کوتاه بود. این رسایل، نوشته شده توسط محققین مسلمان، آموزه‌های اسلامی نسبت به محیط‌زیست را مورد توجه قرار داد و بر مبنای نقدهای اسلامی بر اقتصاد جهانی توضیحاتی را در رابطه با بحران محیط زیستی ارائه داد (که در قالب غیراسلامی، بر اساس دریافتی‌ها از سود به وجود آورده این امتیاز، مطالبه نمودند).^{۱۴} گرچه باز هم این کتاب کوچک خوب منتشر نشد، با این همه به زبان ترکی و اندونزیایی ترجمه و منتشر شد و عمدتاً توسط محیط‌زیست‌گرایان غربی به عنوان "روش اسلامی" در باب حفاظت محیط زیست استفاده شد.

مهم‌ترین اقدامی که تاکنون ارزش‌های محیط‌زیستی را از دریچه سیستم دینی دنیا بیان کرده است، در اواخر ۱۹۹۰ توسط دو پروفیسور در دانشگاه بوکنل، به نام‌های ماری اولین تاکر (متخصص کنفوسیوس‌گرایی) و همسر او جان گریم (کارشناس حوزه آمریکای بومی) انجام شد. تاکر و گریم یافته‌هایی از گوناگونی منابعی کسب کردند که به آنها امکان سازمان‌دهی مجموعه‌ای از ده کنفرانس بین‌المللی دین و بوم‌شناسی که در دانشگاه هاروارد از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ نگهداری شده را داد. برای کنفرانس اسلامی که در می ۱۹۹۸ برگزار شد، گریم در پی همیاری خالد بود که به منظور مطرح شدن در لیست شرکت کنندگان، در شبکه بین‌المللی رشد مسلمانان که مربوط به محیط زیست بود، در رفت و آمد بود.

کنفرانس‌های دانشگاه هاروارد، شاید پیش‌بینی می‌شد که یک اقدام اولیه در جهت زمینه جدید باشد، و نتایج مرکبی ارائه دهد. در حالی که به شرکت کنندگان در کنفرانس اسلامی هزینه‌های کامل سفر

محیط زیستی را به شکل عمیق تجربه می‌کنند، چون اولین استفاده کننده منابع طبیعی هستند (و همسران آنها برای کار در کارخانه‌ها روستا را ترک می‌کنند). همزمان زنان روستایی، ضعیف‌ترین عضو جوامع سنتی هستند، بنابراین قادر به عکس‌العمل در مقابل بحران‌ها هستند.

عجیب آنکه آمریکا، در حالی که هم عمده‌ترین پایگاه تخریب محیط زیست جهان است و هم حامی برجسته سیاست‌ها و رفتارهای غیرمداوم اقتصادی، منزل اصلی محیط‌زیست‌گرایی در اصطلاح مدرن است. حساسیت نسبت به محیط زیست، در شکل معاصر آن، در اواخر قرن نوزده بین آمریکایی‌ها از جمله هنری دیوید توریو، جان مویر و تئودور روزولت ضرورت یافت. فیلسوفان تجدیدنظرطلب، که انسان را نه در بالا بلکه درون سیستم طبیعت جا دادند توسط آمریکایی‌هایی مثل آلدو لیپولد در دهه ۱۹۴۰، ادوارد آبی در دهه ۱۹۷۰ به وجود آمدند. محیط زیست شناسان معاصر که به کل دنیا صادر می‌شوند، در واقع تولید آمریکا هستند.

در هر جا این نکته توسط محیط زیست‌شناسان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در مقاله‌ای در سال ۱۹۸۹ در مجله آمریکایی اخلاق در محیط‌زیست‌گرایی، جامعه‌شناس هندی، رام‌چاندرا گوا استدلال کرد که، محیط زیست شناس با تاریخ منحصر و فرهنگ غیرآمریکایی، شایستگی ذاتی او هر اندازه که باشد، نمی‌تواند به سادگی کل دنیا را با یک نمونه تک اندازه برای همه، بیان کند. برای انجام این امر نمونه‌هایی از ایجاد پارک‌های ملی که انسان‌ها از اقامتگاه به اجبار اخراج شده‌اند به ندرت یک "واگذاری مستقیم منابع از فقیر به ثروتمند است".^{۱۵}

این امر غیرمنتظره نیست که سیاست‌ها و ابتکارات محیط زیست‌گرا در جهان اسلام، اغلب، صرفاً نمونه‌های دیگر از امپریالیسم غربی تلقی می‌شود، یعنی تلاشی توسط بیگانگان و یا دست نشانده‌های آن‌ها برای دخالت در امور جوامع اسلامی با هدف استثمار و کنترل. به نظر می‌رسد که تحت چنین شرایطی، محیط زیست‌گرایان در جوامع اسلامی به شکل بومی گسترش یافته‌اند که متناسب برای مکان مورد نظر هستند، که می‌توان امیدوار بود که در مسیر پیشرفت قرار گیرند. متأسفانه محیط‌زیست‌شناسانی که در زادگاه خود پرورش یافته‌اند، هنوز به سهولت در دنیای اسلام یافت نمی‌شوند، حتی شاید عملاً موجود نباشند.

بدون شک امتیاز اولین قدم در مسیر تفکر در مورد بحران‌های محیط‌زیستی در دنیای اسلام را باید به سید حسین صدر نسبت داد. یک عالم ایرانی آمریکایی که قبل از راشل کارسون درگیر فعالیت انسانی بر سیستم طبیعی بود، در طول دوره دانشجویی در ماساچوست در دهه ۱۹۵۰ رد پای توریو در جریان تالاب والدن را دنبال کرد.^{۱۶} نصر که یک تاریخ‌شناس فلسفه و علوم طبیعی بود، به جهت مقدار تغییری که از زمان توریو تا آن زمان رخ داده بود، اندوهگین شد و متوجه شد که تفاوت مشخصی در علوم اسلامی وجود دارد. فن شناخت طبیعت به عنوان اعمال مقدس، مسیری برای شناخت بهتر مفهوم خدا است و روش علمی غیرمقدس از غرب پسا روشنفکر، این نگرش را دارد که طبیعت عاری از زندگی و مفهوم ذاتی است، و فقط به منظور خدمت به غایت انسانی موجودیت یافته است.

نصر این تمایز را در کتاب خود تحت عنوان "علوم و تمدن در اسلام" و نیز در دیگر آثارش مطرح کرده است، یعنی حتی چند ماه جلوتر از لین وایت، منتقد معروف استثناگرایی (exceptionalism) انسان در آیین غربی که در سال ۱۹۶۷ تئوری با عنوان "ریشه‌های تاریخی بحران بوم‌شناختی ما"^{۱۷} ارائه کرد که با مقاله‌های نصر که در دانشگاه شیکاگو در تابستان ۱۹۶۶ ارائه داد، استدلال مشابهی داشت.^{۱۸} نصر در طول چهار دهه اخیر به بیان بحران‌های محیط‌زیستی که به عنوان به وجود آورنده بحران ارزش‌ها شناخته می‌شود، پرداخت. کارهای او به شکلی گسترده توسط

قابل انتظار است که سازمان‌هایی که دارای اصالت، چشم‌انداز و روش غربی هستند، احتمالاً اقدام به انجام پروژه‌هایی نکنند که منعکس‌کننده تمایلات غربی باشد. قابل پیش‌بینی است که موفقیت آنها متغیر است (همان‌طور که IUCN در پاکستان، اقدام به نام‌نویسی پژوهشگران دینی پشتون نمود تا اخلاق محیط‌زیستی در مدارس دینی را تدریس کنند). یکی از جنبه‌های مشخص فشارهای سازمان‌های بین‌المللی محیط‌زیستی که در کشورهای اسلامی دایر هستند، این است که ضرورتاً باید مجلل باشند. که می‌توان این اظهار نظر را مطرح کرد که، چون برای انجام امور خود، بر کمک هزینه‌ها تکیه می‌کنند، بنابراین باید پروژه‌هایی را تدبیر کنند تا به جای اینکه نیازهای واقعی جوامع را مورد توجه قرار دهند، باید بازتاب سود سازمان‌های تامین‌کننده بورسیه باشند.^{۲۰}

یک استثنا برای این پدیده در ایران دیده می‌شود، جایی که سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) به علت تحریم اقتصادی طولانی مدت آمریکا، برای درخواست و یا دریافت بودجه خارجی، محدود هستند. در نتیجه، سازمان‌های محیط‌زیست در ایران درون بافت محلی و مستقل پدیدار شده است. در واقع به نظر می‌رسد ایرانیان در دنیای امروز، نمونه‌های موفق بیشتری از رشد بومی محیط‌زیست‌گرایی را عرضه داشته‌اند.^{۲۱}

جامعه مدنی در ایران به جهت انتخاب رئیس جمهور اصلاح طلب، در سال ۱۹۹۷، منافع زیادی را به خود جلب کرد. از آن زمان تا کنون، بیش از دویست سازمان محیط‌زیست توسط دولت ایران شناسایی شده است. خود دولت جمهوری اسلامی، شعارهای محیط‌زیست‌گرایانه‌ای را ترویج کرد که جزو پیچیده‌ترین و مترقی‌ترین شعارها در دنیاست. با این‌که این شعارها حتی صریحاً به رویکرد اسلامی در اخلاق محیط‌زیست‌گرایی دعوت می‌کنند، با این همه، این شعارها در بسیاری از موارد پشتوانه عملی نداشته‌اند.

وجود محیط‌زیست‌گرایی در ایران با تکثیر سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیست‌گرا کاملاً ملموس است. سازمان‌هایی مانند کمربند سبز ایران (GFI) به طور قابل توجهی آگاهی عمومی را برانگیخته و پوشش‌های حفاظتی محیط‌زیست را راه‌اندازی کردند. و در حالی که دولت به جای عمل فقط شعار می‌دهد، محیط‌زیست‌گرایان ایرانی دست‌کم از حمایت‌های نظری دولت اسلامی بهره مند هستند.

با وجود این در ایران، محیط‌زیست‌گرایان بومی دارای تعهد بی‌مانندی در جهان اسلام امروزی هستند و شهادتی بر اینکه الگوهای بومی و غیرغربی می‌توانند مسلماً موفق باشند. اما شگفت‌انگیز آنکه موفقیت و شرایط استقلال‌تحمیلی‌ای که موجب رشد و ارتقاء جنبش بی‌همتای محیط‌زیستی ایران شد، توسط اغلب ایرانیان مورد کم‌توجهی قرار گرفته است، ایرانیانی که علاقمندند بر انزوای تحمیلی بیست و پنج ساله خود فایز آیند و آفت‌های جهانی شدن اقتصادی را وارد جامعه خود کنند. با ورود ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) که اخیراً درباره آن بحث می‌شود، تصور آینده مستقل برای محیط‌زیست‌گرایی ایرانی محل تردید خواهد بود.

نتیجه اینکه، اخیراً الگوهای زیاد و متنوعی از محیط‌زیست‌گرایی در سرتاسر جهان اسلام وجود دارد. متأسفانه، تا حالا هیچکدام از آنها آماده برای تقلیل و کاهش سرعت ویرانگری محیط‌زیستی مدرنیته نبوده‌اند و به سقوط سریع خود به سمت فاجعه جهانی ادامه می‌دهند. ولی اگر در کل امید به حرکت‌های محیط‌زیست‌گرایی وجود داشته باشد که نقشی را در کاهش روندهای مخرب حاضر ایفاء کرده و جامعه بشری را به سمت جایگزین‌های صحیح‌تر و مداوم‌تر هدایت کنند، اینست که ۱.۲ میلیارد مسلمانی که در سیاره زمین ساکنند، آشکارا دارای منابع فرهنگی هستند که می‌توان از آنها استفاده کرد، منابعی که هم با سنت‌های آنها سازگار هستند و هم در حل نیازهای نوظهور و مشابه آنها موثر خواهند بود.

*پی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود است.

به هاروارد پرداخت شده بود، بیشتر آنان در مقالاتشان توجه کمی به نجات محیط‌زیست داشتند، و در سخنرانی‌هایشان، اشاره‌هایی گذرا به محیط‌زیست کردند، حتی در برخی مقالات هیچ اشاره‌ای به محیط‌زیست وجود نداشت. با این وجود، سوالات مهمی راجع به بحران محیط‌زیست در جوامع اسلامی معاصر مطرح نشد، تمام مشکلات، دخالت غرب، ارزش‌های غربی و فرسودگی هنجارهای اسلامی سنتی را مقصر دانستند. درنهایت غالب کنفرانس، همان مواردی بود که اسلام هر مورد ضروری را به منظور مدیریت مناسب منابع طبیعی ارائه می‌دهد، و اینکه اگر اسلام به طور مناسب و گسترده عمل کند، در این صورت هیچ بحران محیط‌زیستی قابل بحثی، وجود نخواهد داشت. مباحثی مثل کنترل نفوس انسانی، سبک زندگی مصرف‌گرایانه، و حقوق حیوانات، مختصر بودند و توسط شرکت‌کنندگان سخنران مختومه اعلام شدند.

با این حال تعدادی از محیط‌زیست‌گرایان مسلمان که متعهد بودند، با وجودی که حتی صدایشان به وضوح شنیده نمی‌شد، در کنفرانس حاضر شدند. نهایتاً نتایج کنفرانس به شکل کتابی ویرایش شده، با عنوان "اسلام و بوم‌شناسی" در ۵۸۴ صفحه به چاپ رسید^{۱۵} و با استقامت شبکه جهانی محیط‌زیست‌گرایان اسلامی تا به امروز بسط و گسترش یافت. از آنها به فضلان خالد، عثمان عبدالرحمان لولین؛ یک نوکیس آمریکایی که سال‌های زیادی به عنوان مشاور محیط‌زیستی برای دولت عربستان سعودی فعالیت کرده است، پروفسور الهیات اهل ترکیه ابراهیم اوزدمیر؛ نویسنده کتاب‌های متعدد در حوزه آیین محیط‌زیست‌گرایی که هم اکنون در مقام معاون وزارتخانه آموزش دولت ترکیه است، صفی‌الدین حامد؛ پروفسور معماری و خاکبرداری در تگزاس و معاون سابق دولت مصر و بانک جهانی، و محمد اسلام پرویز؛ مدیر بنیاد اسلامی علوم و محیط‌زیست در دلهی، می‌توان اشاره کرد. اوزدمیر برای ترجمه ترکی سرفصل هاروارد تحت عنوان "بوم‌شناسی و اسلام" را سازمان‌دهی می‌کند، درحالی که اسلام پرویز در حال تهیه یک ترجمه اردو برای استفاده در سمینارهای هندوستان است. یک محیط‌زیست‌گرای اسلامی دیگر که متولد عراق است، پروفسور حقوق است، به نام مویل عزالدین، که در کنفرانس حضور نداشت ولی برای بخش چاپی کنفرانس مقاله‌ای ارائه داد، و برای برقراری مرکزی برای اسلام و بوم‌شناسی در دانشگاه والس همت نمود. (عزالدین ۱۹۸۳ در کنفرانس جده شرکت کرد، و نویسنده اولین کتاب درباره سابقه مواجهه اسلام و محیط‌زیست، به نام "ابعاد محیط‌زیستی اسلام"، بود که در سال ۲۰۰۰ به چاپ رسید.^{۱۶})

به مراتب بسیاری از تلاش‌های قابل توجه در گسترش اخلاق اسلامی محیط‌زیست در مقیاس جهانی، توسط فضلان خالد انجام شده است. او در آغاز تاسیس سازمان، در ابتدای دهه ۱۹۹۰، بنیاد اسلام برای علوم محیط‌زیست‌گرایی و بوم‌شناسی (IFEES) را در بیرمنگام انگلیس بنا کرد، این افسر نظامی بریتانیا، سال‌های آخر بازنشستگی خود را به سفر دور دنیا پرداخت و سمینارهای آموزشی محیط‌زیست‌گرایی در نهادهای اسلامی در کشورهای اسلامی مثل عربستان سعودی و اندونزی برگزار کرد.^{۱۷} پروژه‌ای توسط خالد در بین ماهی‌گیران مسلمان در جزیره‌ای آفریقایی به نام زنگبار (Zanzibar) برگزار شد که توسط بی‌بی‌سی در سال ۲۰۰۵ به عنوان کار موفقیت‌آمیز قابل توجهی گزارش شد.^{۱۸}

چنین تلاش‌هایی توسط محیط‌زیست‌گرایان مسلمان انجام شده است. آنان برای گنجاندن اصطلاحات اسلامی در فرهنگ محیط‌زیست‌گرایی در حال تلاش هستند. این تلاش‌ها ممکن است علیه ابتکاراتی باشد که در کشورهای احتمالی غیر مسلمان به وجود می‌آید. (۱۹) سازمان‌های بین‌المللی محیط‌زیست، به عنوان مثال WWF و IUCN، هر دو دارای شعبه‌هایی در کشورهای اسلامی هستند. (شعبه IUCN کراچی، بزرگ‌ترین شعبه گسترش یافته جهانی است)